

سفرهای برای هر ذائقه

نتیجه چه شد؟

نتیجه آنکه پس از گذشت چند سال از اجرای این برنامه، هر کس به استعداد و علاقه‌های ذاتی خود پی برده و در آن مورد با اشتیاق کار کرده بود و بسیار احساس رضایت و خشنودی می‌کرد. بسیاری از آن بچه‌ها امروز به شکلی در آن مسیر گام برداشته‌اند و با آن زندگی می‌کنند. به‌عنوان نمونه بد نیست اشاره کنم **حمیدرضا یزدی** در دوره راهنمایی در همان دهه ۶۰، در کلاس‌های نجوم خود منور پیدا کرد و در کلاس‌ها و برنامه‌های شبانه رصد ستارگان در اطراف تهران، و کار با تلسکوپ و عکس‌برداری از ستارگان، شرکت فعال داشت و با علاقه‌مندی بسیار این راه را ادامه داد. او در رشته فیزیک در دانشگاه ادامه تحصیل داد و بالاخره با رفتن به کشور فرانسه و اخذ دکترای رشته «آستروفیزیک» به خواست درونی خود دست یافت و در حال حاضر در ایران یکی از کارشناسان موفق بخش نجوم در مؤسسه تحقیقاتی «بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» است. هنوز با هم ارتباط داریم و ایشان همواره موفقیت خود را مدیون همان کلاس‌های فوق برنامه مدرسه راهنمایی می‌داند که مانند سفرهای با انواع گوناگون غذا در مدرسه گسترده شده بود تا هر کس مطابق علاقه و ذائقه‌اش غذای مورد علاقه‌اش را انتخاب و از آن استفاده کند.

پدر عزیز، مادر گرامی، سعی کنیم به طریقی علاقه‌ها و توانمندی‌های ذاتی و بالقوه فرزندانمان را کشف کنیم. با سفرهای گوناگون، با در معرض فضاهای علمی، ورزشی، هنری، اجتماعی، گردشگری، معنوی و فنی قرار دادن آن‌ها، پس از کشف علاقه‌هایشان، امکانات و وسایل آن موضوع مورد علاقه را نیز فراهم کنیم و در دسترسش قرار دهیم. با این روش و در ادامه تحصیل، او راه را برای آینده خود پیدا می‌کند و ادامه می‌دهد. متأسفانه در اطراف خود دیده‌ایم فرزندان را که در یک رشته دانشگاهی قبول و وارد می‌شوند، ولی پس از مدتی تصمیم می‌گیرند رشته خود را تغییر دهند که ممکن است موفق شوند یا دیگر خیلی دیر شده باشد.

آری، توجه به استعدادها، کشف آن‌ها و هدایت هدفمند می‌تواند میزان بهره‌وری علمی فرزندان و شاگردان ما را به بهترین شکل بالا ببرد و بهره‌مندشان کند.

پی‌نوشت

1. astrophysics

آموزش عمومی برای فرزندان ما یا شاگردان مدرسه یک بحث است و یافتن استعداد و هدایت هدفمند آنان به‌سوی زمینه‌های مثبت خدادادی آنان بحثی دیگر.

تربیت فرزندان در کانون خانواده و آموزش یک زندگی سالم و عاقلانه، یک هدف معمول برای همه والدین است، ولی آگاهی به توانمندی‌های فرزندان و آماده‌سازی شرایط برای رشد و تقویت استعدادهای ذاتی آنان یک وظیفه و رسالت مهم دیگر.

در این مبحث می‌خواهیم چه از دید یک معلم و چه از نقطه‌نظر والدین، به این مهم برسیم که بالاترین بهره‌وری در تربیت نوجوانان، شناخت توانمندی‌های بالقوه آنان و به‌فعلیت رساندن این ظرفیت‌ها در آن‌هاست.

در دهه ۶۰، پس از آنکه از دبیرستان علوی (تهران) فارغ‌التحصیل شدم و دوره کارشناسی ارشد جغرافیا را طی کردم، به‌عنوان معلم جغرافیا و سپس معلم راهنمای سال اول راهنمایی، در مدرسه نیک‌پرور (علوی) مشغول به کار شدم. مدیر مدرسه دکتر **محمدعلی فیاض‌بخش** بود. هر هفته جلسات مدیر و معلمان راهنما در مدرسه تشکیل می‌شد. در یکی از سال‌ها، پس از جلسات متعدد، قرار بر این شد با برنامه‌ریزی جدید، از ساعت ۷.۵ صبح تا ۳ بعدازظهر کلاس‌های رسمی مدرسه برقرار باشد و از ساعت ۳.۵ تا ۵ هم کلاس‌های آزاد (فوق برنامه) طراحی و عملیاتی شوند.

در کلاس‌های بعدازظهر درس‌ها و کارگاه‌هایی از موضوعات گوناگون طراحی شد و برای هر کدام مدرسی نیز تعیین شد. این موضوعات عبارت بودند از: کلاس نجوم، کلاس قالی‌بافی، ترجمه زبان انگلیسی، فن‌سخرانی، کلاس‌های کامپیوتر، طراحی و نقاشی، و آشپزی.

ملزومات کار هم برای هر کلاس آماده شد و اتفاقاً کلاس نجوم را من به عهده گرفتم. این کلاس‌ها همراه بودند با نمایش فیلم و اسلاید. رصد شبانه، کار با تلسکوپ و ...

قبل از شروع دوره، با اولیای دانش‌آموزان جلسه‌ای توجیهی صورت داشتیم که آن‌ها هم در هدایت دانش‌آموزان به کلاس مورد علاقه شرکت کنند.

بعد از طراحی و آماده‌سازی این دوره، دانش‌آموزان در جریان برنامه جدید مدرسه و تغییر ساعات قرار گرفتند و اعلام شد کلیه شاگردان به مدت یک هفته در هر کلاسی که خواستند وارد شوند و با کلیات آن آشنا شوند. کلاس‌های دیگر را هم در این مدت تست کنند و ببینند کدام موضوع و حرفه را بیشتر می‌پسندند و دوست دارند و آنگاه تصمیم نهایی را بگیرند.

در این دوره، گرچه کلاس‌ها به‌طور مرتب تشکیل و آموزش داده می‌شدند و مهارت‌های عملی صورت می‌گرفتند، ولی هیچ‌گونه آزمون و نمره‌ای در کار نبود و هر کس مطابق علاقه‌های خود کلاسی را انتخاب و در آن شرکت می‌کرد.